

میزان برخورداری اتباع خارجه از نظام بانکی و مالی در حقوق ایران

امیر رئیسی نافچی^۱، بیژن دارابی^۲

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

^۲ استادیار حقوق و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد

نویسنده مسئول:

امیر رئیسی نافچی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۲۲-۳۳

چکیده

امروزه با پیشرفت تکنولوژی خصوصاً در زمینه حمل و نقل و وسایل ارتباطی، روابط اتباع کشورهای مختلف با یکدیگر بیش از پیش افزایش یافته و افراد به راحتی به سرزمینهای دور و نزدیک رفت و آمد می نمایند، به گونه ای که زندگی کنونی نوع بشر دیگر وضع ساده ی سابق را ندارد. ورود بیگانگان به یک کشور ممکن است به دلایل مختلفی صورت پذیرد؛ از جمله جهانگردی و اقناع حس کنجکاوی، جستجوی کار، تجارت، تحصیل علم و نیز در برخی موارد، عده ای مانند پناهندگان و آوارگان نیز به دلیل شرایط خاص کشور خود و مسایل سیاسی، به اجبار وارد خاک کشور دیگری می گردند. ورود یک بیگانه به یک کشور از همان بدو ورود تا هنگام خروج، موضوعات و مسائلی را مطرح می سازد که احساس نیاز به تدوین یک سری مقررات خاصی، گسترده تر و فراتر از حقوق داخلی را موجب می گردد. زیرا بسیار اتفاق افتاده است که مسائل کوچک در خصوص نحوه ی برخورد با یک بیگانه، سبب پیدایش اختلافاتی بزرگ بین دو یا چند کشور شده و بحران و تشنجی را بین آن ها فراهم ساخته است. در حالی که وجود موازینی از قبل تعیین شده برای اتباع بیگانه از چنین سوء تفاهماتی جلوگیری می کند. از آنجا که هیچ کشوری تعهدی برای رعایت این اصول به طور مطلق ندارد؛ در نتیجه دولت ها در هنگام تنظیم قواعد و مقررات راجع به بیگانگان، به عبارتی در مقام تعیین حقوق و تکالیف و محرومیت ها و معافیت های بیگانگان، از آزادی عمل زیادی برخوردارند. زیرا هر دولتی تا آن جا به اصول و قواعد بین المللی احترام می گذارد که با امنیت، نظم عمومی و مصالح اقتصادی و اجتماعی آن تعارض نداشته باشد. باید افزود، امروزه همه ی دولت ها در سرزمین خود، بیگانگان را بهره مند از حقوق و تکالیف می شناسند، هرچند حقوق آن ها را همطراز با حقوق اتباع خود نمی دانند. از این حیث محدودیت هایی نسبت به حقوق اتباع بیگانه در هر کشوری وجود دارد که ما در تحقیق حاضر برآنیم تا این محدودیت ها را در زمینه ی حقوق مالی و بانکی بیگانگان در حقوق ایران مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم.

واژگان کلیدی: نظام بانکی و مالی ایران، برخورداری اتباع خارجه از نظام بانکی

۱- تعریف بیگانه

حق چه به معنای کلی قوانین و مقررات مدنظر باشد و چه در معنای خاص آن یعنی امتیازات ناشی از قوانین و مقررات، در هر حال حول محور «شخص» قرار دارد؛ زیرا باید اساساً موجودی باشد تا بتواند طرف حق و تکلیف قرار گیرد، بنابراین موضوع حقوق و مخاطب آن «شخص» می باشد.

«شخص» عنوانی است که علم حقوقی برای تنظیم و تنسيق روابطش، قواعد و مقرراتی را وضع و ایجاد نموده است. در اصطلاح حقوقی «شخص» موجودی است که دارای حق و تکلیف است. شخص دارای زندگی حقوقی است که آغاز و پایانی دارد و می تواند در طول حیات حقوقی خود با انجام اعمال حقوقی و تکالیف نقشی ایفا کند. تعیین این که چه موجوداتی صاحب حق و تکلیف یا به عبارتی دارای «شخصیت» هستند یا فاقد آن و یا دارای شخصیت ناقص هستند. به عهده ی قانون گذار است.^۱ شخص به لحاظ حقوقی بر دو قسم است: حقیقی و حقوقی.

بدین ترتیب، نکته ای که در خصوص تعریف بیگانه باید مورد توجه قرار گیرد این است که در مفهوم مضیق، اصطلاح بیگانه فقط شامل اشخاص حقیقی است، اما در مفهوم موسّع، اصطلاح بیگانه هم شامل اشخاص حقیقی می شود و هم حقوقی. درعمل هم کشورهای مختلف برای اشخاص حقوقی قواعد و مقررات خاصی را وضع می کنند. لذا در این جا به تعریف هر یک از آن ها می پردازیم:

۱-۱ تعریف شخص حقیقی بیگانه

از بیگانه تعاریف مختلفی به عمل آمده است که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. «بیگانه شخصی است که به عنوان شهروند یا تبعه ی کشوری که در آن زندگی می کند شناخته نشده است».^۲ بر همین اساس و با توجه به مواد قانون مدنی برخی نویسندگان بیگانه را چنین تعریف می نماید: «از نظر قانون ما بیگانه کسی است که تابعیت ایران را ندارد به عبارت دیگر بیگانه شامل کسانی هم می شود که بدون تابعیت (آپاترید) هستند و شخص بدون تابعیت را نیز باید مشمول همان محرومیت های اتباع بیگانه دانست».^۳

تعریفی مشابه تعریف مذکور نیز، بیان می دارد: «هرکس در قلمرو دولت متبوع خود، تبعه و در خارج از آن، بیگانه است. واژه ی بیگانه یا خارجی در مقابل اصطلاح تبعه به آن دسته از افرادی اطلاق می شود که تابعیت کشور محل توقف را نداشته باشد؛ اعم از آن که دارای تابعیتی غیر از مملکت محل توقف باشد و یا آن که تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشد».^۴

۲. «در حقوق بیگانه به هر شخصی گفته می شود که در یک جامعه ی سیاسی اقامت دارد در حالی که تابعیت کشور دیگری را داراست».^۵ برخی از نویسندگان حقوق بین الملل خصوصی با توجه به همین معیار، به تعریف مفهوم بیگانه پرداختند؛ از جمله این تعریف که چنین بیان می دارد: «در معنای عرفی و در حقوق موضوعه، بیگانه در یک نظام سیاسی به شخصی گفته می شود که ارتباط تابعیتی با آن نظام سیاسی نداشته باشد. و در حقوق دینی بیگانه به کسی گفته می شود که به دین مذکور معتقد نباشد و خارج شده از دین باشد».^۶

۳. «بیانه شخصی است که در یک کشور زندگی می کند ولی تابعیت آن کشور را ندارد و «اشخاص بدون تابعیت» هم بیگانه محسوب می شوند».^۷ دکتر بهشید ارفع نیا نیز در تعریف بیگانه چنین بیان می دارد: «در هر کشوری در مقابل تبعه که به کسی اطلاق می شود که

^۱ صفار، محمد جواد، شخصیت حقوقی، تهران، انتشارات دانا، ۱۳۸۷، ص ۱۳.

^۲ The World Book encyclopedia, Chicago.1966 . V1.p. 352.

به نقل از دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین الملل اسلامی، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه و انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ دوم، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵.

^۳ نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۴، ص ۸۸.

^۴ ابراهیمی، سید نصرالله، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۳، ص ۱۷۶.

^۵ The Colombia Encyclopedia , Colombia University , 1993 , p.67. به نقل از دانش پژوه، مصطفی، پیشین.

^۶ نظیف، مجتبی، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹.

^۷ Encyclopedia of public International law. Op. eit. P.6. به نقل از دانش پژوه، مصطفی، پیشین.

دارای تابعیت آن کشور می باشند. افرادی نیز یافت می شوند که خواه به علت دارا بودن تابعیت دولت دیگر، خواه به علت نداشتن تابعیت هیچ کشوری، تابع آن دولت نبوده و «بیگانه» نامیده می شوند.^۱

مفهوم تعریف اول آن است که هر شخص غیر تبعه ی مقیم یک کشور، بیگانه محسوب می شود؛ خواه خارجی باشد یا بدون تابعیت و این معیار در تعریف سوم به صراحت بیان شده است، لذا می توان گفت در تعریف اول و سوم معیار یکسان است با این تفاوت که تعریف اول با دید کلی به موضوع نگریسته است معیار صرح و دقیقی بیان نکرده است.

بنابراین با توجه به تعاریفی که گذشت، در می یابیم که امروزه در کلیه ی کشورها و از نظر بین المللی ملاک کلی و عمومی برای تشخیص بیگانه «تابعیت» است. براساس این معیار، «هر شخصی که در کشوری زندگی می کنند ولی تابعیت آن کشور را ندارد، بیگانه محسوب می شود، خواه تبعه ی کشور دیگری باشد یا اصلاً تابعیتی نداشته باشد».^۲

در مجموع اگر بخواهیم با توجه به تعاریف مذکور از نویسندگان ایرانی، همچنین اصول قانون اساسی و مقررات موجود تعریفی از واژه ی «بیگانه» در حقوق ایران ارائه دهیم باید گفت که از منظر حقوق موضوعه کشور ما در اصل بیگانه شخصی است که نسبت به نظام سیاسی کشور ایران وابستگی نداشته باشد. و در این نگاه معیار کلی تمیز بیگانه از تبعه، وجود یا عدم وجود رابطه ی تابعیت وی با نظام سیاسی و دولت ایران مورد نظر می باشد اما در عین حال به دلیل تلقیات حاصل از فرهنگ اسلامی با مسلمانان ولو بیگانه رفتاری نزدیک به اتباع خودی وجود دارد. بنابراین بیگانه ی عقیدتی به عنوان یک معیار فرعی در عمل و به خصوص در برخورد با شخص بیگانه غیر مسلمان به لحاظ برخورداری از تسهیلات و امکانات جامعه و حمایت قانونگذار می تواند مؤثر باشد.

۲-۱ تعریف شخص حقوقی بیگانه

هائپور که در ابتدای بحث اشاره گردید، در اصطلاحات حقوقی هنگامی که واژه ی «شخص» را به کار می برند. تنها انسان مورد نظر نیست، بلکه موضوع حقوق و تکالیف مورد نظر است. خواه انسان باشد، خواه نه.

قانون تجارت ایران شخص حقوقی را تعریف نکرده و در هیچ یک از قوانین کشورها یا کنوانسیون های بین المللی نیز تعریف کامل و جامعی از شخص حقوقی دیده نمی شود.^۳ اما به طور کلی و با توجه به آن چه که عملاً در جامعه دیده می شود می توان گفت؛ مراد از شخص حقوقی آن است که گاهی نیازها و مصالح مخصوصی اقتضاء می کند، افراد انسانی به عنوان جمعی دارای حقوق و تکالیف بشوند و یک شخصیت حقوقی را به وجود آورند؛ به عبارت دیگر شخص حقوقی عبارت است از گروهی از افراد انسانی یا منفعتی از منابع عمومی که قوانین متداول آن را در حکم شخص طبیعی و موضوع حقوق و تکالیف قرار داده باشد. به عنوان مثال یک شرکت تجاری یک شخص حقوقی است. (ماده ۵۸۳ ق.ت)

باید دانست که شخص حقوقی، هرچند یک عنوان جمعی است و تشخیص آن به اعتبار مقنن بستگی دارد اما یک فرض نیست. بلکه مولود یک سری نیازها و مصالح افراد انسانی است و یک واقعیت است، یک واقعیت اعتباری و امور اعتباری غیر از امور وهمی است.

بنابراین می توان گفت شخص حقوقی هم هرچند که یک واقعیت اعتباری است اما بنا به تصریح ماده ی ۵۸۸ ق.ت همانند شخص طبیعی پس از به وجود آمدن، طرف حق و تکلیف قرار می گیرد و می تواند موضوع هرگونه حق و تکلیفی باشد که شخص حقیقی موضوع آنها است، جز آن دسته از حقوق و تکالیفی که مختص اشخاص حقیقی و ناشی از طبیعت آنان می باشد مانند حق بنوت.^۴

۲-۲ اصل کلی در میزان برخورداری بیگانگان از حقوق خصوصی

در گذشته هنگامی که بیگانه ای وارد سرزمین می شد، در نظر حکومت و مردم آن سرزمین دشمن محسوب می شد و رفتار با بیگانگان در واقع همانند رفتار با بردگان بود. بدین لحاظ بیگانگان در جوامع گذشته فاقد شخصیت حقوقی و هرگونه حقی بودند.

^۱ ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۵، ص ۶۳.

^۲ دانش پژوه، مصطفی، همان، ص ۱۹۶.

^۳ مهاجریان، عباس، شخصیت حقوقی، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۹۱.

^۴ جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه ی عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴، ص ۱۲۰-۱۲۳.

اما پیشرفت تدریجی ضرورت‌هایی را در زمینه‌ی پذیرش و شناسایی حقوق اتباع بیگانه آشکار ساخت. همچنین رشد آگاهی‌های بشر در زمینه‌ی تعامل و سرنوشت مشترک بشری موجب شد، دولت‌ها بیش از گذشته به وضعیت بیگانگان توجه کنند به طوری که در دنیای امروز هر انسانی در هر کجا که باشد، دارای شخصیت حقوقی و برخوردار از حقوق و تکالیف شناخته می‌شود.

مسئله برابری انسان‌ها در برخورداری از حقوق به عنوان اولین اصل اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر شناخته شده است. در ماده ۱ این اعلامیه چنین بیان شده: «تمام افراد بشر آزادانه به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند، همه دارای عقل و وجدان شخصی می‌باشند و باید با یکدیگر با روح برادری رفتار کنند». همچنین در ماده ۲ با تأکید بر این که برخورداری از حقوق بشر ارتباطی به تابعیت کشورها ندارد، بیان می‌دارد: «هرکس می‌تواند بدون هیچگونه تمایز، مخصوصاً از حیث نژاد و ملیت از تمام حقوق و کلیه آزادیها بهره‌مند گردد». به عبارت دیگر تفاوت ملیت‌ها تأثیری در برخورداری از حقوق، از جمله حق تابعیت ندارد.

ماده ۶ اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر نیز با تأکید بر این مسئله، در زمینه‌ی شناسایی شخصیت حقوقی اشخاص، در خارج از قلمرو سرزمینی بیان می‌دارد: «هرکس حق دارد که شخصیت او در همه جا به عنوان یک انسان در مقابل قانون شناخته شود». بدین ترتیب قواعد حقوق بشر بدرفتاری با همه‌ی افراد را صرف نظر از ملیتشان منع می‌کند.^۱

بنابراین مسئله‌ی حقوق اتباع بیگانه، در دنیای امروز از اهمیت بسیاری برخوردار است، به گونه‌ای که بیش از دویست سال است که حقوق بین‌المللی درخصوص نحوه‌ی برخورد با بیگانگان، یک اصل کلی را وضع نموده است که بر اساس آن دولت‌ها مجبور نیستند اتباع دیگر کشورها را در سرزمین خود بپذیرند ولی اگر اجازه‌ی ورود آن‌ها داده شود، باید یک حداقل استاندارد بین‌المللی باشد. یعنی با آن‌ها با روشی انسانی برخورد کنند و حداقل حقوق اولیه‌ی اتباع بیگانه که «حقوق طبیعی» نیز نامیده می‌شود و لازمه‌ی زندگی هر فردی از افراد بشر است رعایت کنند؛ مانند حق ازدواج، حق مالکیت، این حقوق اصولاً در همه جا و برای همه کس باید موجود باشند و هیچ دولتی نمی‌تواند داشتن آن را منحصر به اتباع خود کرده و اتباع خارجه را از داشتن آن محروم سازد. چنانچه دولتی از مراعات این حداقل استاندارد بین‌المللی امتناع ورزد موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود و امکان دارد تبعه‌ی دولت صدمه دیده از مجاری دیپلماتیک علیه دولت دیگر یک حصول غرامت یا سایر فرم‌های جبران خسارت اقامه‌ی دعوی کند. بنابراین هیچ دولتی نمی‌تواند بیگانه را از حداقل حقوق خود محروم کند.^۲

همچنین باید دانست در مقابل حقوق اولیه، برخی حقوق دیگر نیز در هر کشوری وجود دارند که صرفاً جهت حفظ منافع افراد آن جامعه‌ی خاص وضع می‌شوند و ممکن است در سایر قانونگذاری‌ها اساساً چنان حقی پیش‌بینی نشده باشد یا به صورت دیگری جلوه‌گر شده باشد، این نوع حقوق که از آن با عنوان حقوق ثانویه یاد می‌کنند به واسطه‌ی ملازمه نداشتن آن با وجود انسان از حیث اهمیت در درجه دوم قرار دارد و برخورداری اتباع بیگانه از این حقوق به اراده‌ی کامل قانونگذار آن کشور بستگی دارد. لذا هر کشوری می‌تواند در داخل خاک خود اتباع خارجه را کلاً یا جزئاً محروم کند.^۳

در حقوق ایران نیز قانونگذار مدنی، به طور کلی، در مواد ۹۵۵ و ۹۵۸ هر انسان را متمتع از کلیه‌ی حقوق مدنی اعلام داشته و شروع و پایان مدت دارا بودن این حقوق را از زمان پیدایش انسان به صورت حمل - به شرط زنده متولد شدن - و مرگ او تعیین کرده است. شایان ذکر است، چون نیازهای افراد جامعه به عنوان افراد انسانی مشابه است و ممکن است کوشش افراد برای تحصیل مایحتاج باعث برخورد و نزاع گردد، قانون مدنی حقوق خصوصی افراد را در همه‌ی زمینه‌ها مشخص کرده و دیگران را ملزم به رعایت آن نموده است و ضمانت اجرای آن نیز در امکان مراجعه به دادگاه و طرح دعوی و احقاق حق از طریق دستگاه قضایی است.^۴

^۱امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر، جلد اول اسناد جهانی، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات ۱۳۸۶، ص ۷۲.

^۲آکهرست، مایکل، کلیات نوین حقوق بین‌الملل، ترجمه‌ی داراب پور، مه‌رب، تهران، انتشارات جهان معاصر، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶.

^۳البته دولت مدعی علیه در مقابل فرد خاصی که صدمه دیده مسئول نیست، بلکه در مقابل دولت متبوع وی مسئولیت دارد. فلسفه‌ی این تئوری این است که وقتی یکی از اتباع دولت مدعی متضرر شده باشد در واقع خود این دولت متحمل خسارت شده است. در نتیجه دولت مدعی آزادی مطلق در خودداری از اقامه‌ی دعوی یا انصراف از آن دارد این دعاوی معمولاً با مذاکره حل و فصل می‌شوند و گرنه ممکن است دعوی با توافق طرفین از طریق داوری یا محاکم قضایی فیصله داده شود. (ر.ک. همان).

^۴عامری، جواد، حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، موسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۱، ص ۷۶.

^۵شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی انتشارات، تهران، مجد، ۱۳۸۵، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.

بنابراین تمام اتباع کشور از حقوق مدنی یا حقوق خصوصی که به موجب مقررات قبول و یا برقرار می شود، بهره مند هستند. دارا بودن حقوق مدنی تا به آن حد اهمیت دارد که براساس ماده ۹۵۹ ق.م. «هیچ کس نمی تواند بطور کلی حق تمتع و یا حق اجرای تمام یا قسمتی از این حقوق را از خود سلب کند».

درباره ی میزان برخورداری اتباع بیگانه از حقوق خصوصی در ایران نیز، با توجه به مطالب فوق الذکر، می توان استنباط نمود، در حقوق ایران ملاحظاتی که در خصوص رعایت حقوق خصوصی یا مدنی اتباع داخلی وجود دارد، درباره ی اتباع بیگانه نیز مطرح است، زیرا اساساً از نظر قانونگذار مدنی ایران برخورداری و استفاده از حقوق خصوصی برای ادامه ی زندگی هر فرد در اجتماع ضرورت دارد. عامل دیگری که می توان در طرف تفکر قانونگذار مؤثر دانست، وجدان عدالت خواه قانونگذار است که حکم می دهد هر فرد بشر از حیث این که انسان است، ذاتاً در جامعه دارای حقوق و وظایفی شود، یعنی او ذاتاً شایسته ی دارا شدن حقوق و وظایفی است و این شایستگی با آفرینش انسان همراه بوده و به وسیله ی خدا به او اعطا گردیده است. نه به وسیله ی مخلوق.^۱

به همین دلیل قانون اساسی ایران نیز که بر پایه ی عدل و رعایت حقوق انسانی وضع و تدوین شده در اصل ۱۴ درباره ی رعایت حقوق بیگانگان چنین بیان می دارد: «به حکم آیه شریفه «لا ینهاکم الله عن الدین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهیم و تقسطوا الیهیم این الله یحب المقسطین» دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند».

همچنین از نظر ملاحظات بین المللی نیز قانونگذار ایران به این مسأله توجه داشته که امروزه میلیونها انسان و از جمله اتباع ایرانی، بنابر ضرورت های غیرقابل اجتناب مرزهای سرزمین خود را پشت سر نهاده و وارد سرزمینهای دیگر می گردند و این روابط اتباع کشورهای مختلف آن چنان گسترش پیدا کرده که کشورها را به طور متقابل به هم نیازمند ساخته است؛ به گونه ای که آن ها برای حفظ روابط بین المللی، خود را موظف می شناسد که به حقوق مکتبسه اتباع سایر کشورها احترام بگذارند. و در سرزمین خود برای آنها قائل به شخصیت حقوقی شوند؛ یعنی اتباع بیگانه را همانند اتباع خودی بهره مند از حقوق و تکالیف بشناسند، چرا که در غیر این صورت دولت ها نمی تواند انتظار داشته باشند که اتباعشان در خارج از کشور از کلیه ی حقوق و مزایای شناخته شده ی خود بهره مند گردند. بنابراین هیچ دوتلی نمی تواند به بیگانه ای اجازه ی ورود و توقف در کشور را بدهد. ولی او را از حقوق مدنی محروم بداند.

همچنین هیچ کشوری محرومیت و ممنوعیتی را برای بیگانگان به لحاظ بهره مندی از حقوق قائل نمی شود، مگر به موجب قانون.^۲ براین اساس ماده ی ۵ ق.م. مقرر می دارد: «کلیه ی سکنه ی ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قوانین ایران خواهند بود. مگر در مواردی که قانون استثنا کرده باشد». از این ماده چنین استنباط می گردد که در نظر قانونگذار اتباع خارجی ساکن در ایران نیز از همه ی حقوقی که به موجب قانون برای اتباع داخله برقرار می گردد، بهره مند خواهند شد. ماده ۹۶۱ ق.م. نیز با مقرر داشتن این که «جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهد بود...» به این اصل کلی اشاره کرده است.

قانونگذاران ایران در این ماده به صراحت به مسأله اهلیت تمتع بیگانگان اشاره می نماید و در بیان اصل تمتع بیگانگان از حقوق مدنی، برای آن شرایط قائل نشده، به عبارت دیگر آن را مشروط به وجود عهدنامه یا رفتار متقابل نکرده است. بنابراین اصل کلی در ایران، این است که اتباع بیگانه می توانند از همه ی حقوق مدنی متمتع شوند، مگر مواردی که قانون بنابر جهات خاص استثنا کرده باشد.^۳ و^۴ باید توجه داشت که منظور از اتباع خارجه در اصل مذکور، اشخاص حقوقی بیگانه نظیر شرکت های تجاری خارجی را نیز شامل می شود. زیرا علاوه بر این که از عبارت «اتباع خارجه» در ماده ۹۶۱ ق.م. معنای عام (اتباع حقیقی و حقوقی خارجی) مستفاد می گردد. همچنین قانونگذار

^۱ همان، ص ۱۹۹.

^۲ سهرابی، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵، ص ۹.

^۳ مدنی، جلال الدین، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷.

^۴ اصلی که قانون مدنی در مورد حقوق خصوصی بیگانه اتخاذ کرده است همان عقیده ای است که والت valet یکی از متخصصین حقوق بین الملل در مورد آن بتفصیل اظهار نظر کرده وی می گوید حقوق خصوصی چیزی نیست که بتوان بین بیگانه و تبعه فرق گذاشت. بیگانه به همان اندازه ی تبعه محتاج و نیازمند به استفاده از حقوق خصوصی است و اگر مواردی لازم باشد برای بیگانه محدودیتی قائل شوند باید قانون با صراحت قید نماید و تا زمانی که قانون سلب حقی را اعلام نداشته وضع بیگانه مثل تبعه است. (ر.ک. سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، ص ۳۱۷)

ایرانی، اصل برابری شخص طبیعی و حقوقی در اهلیت تمتع از حقوق و تکالیف را به صراحت در ماده ۵۸۸ ق.ت پذیرفته و تا جایی که امکان دارد در این باره تبعیضی قائل نشده است.

بنابراین به لحاظ اهلیت تمتع اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی از کلیه ی حقوق مدنی برخوردارند مگر در مواردی که قانونگذار به لحاظ تشخیص پاره ای ضرورت ها و ترجیح برخی مصالح آن ها را از داشتن حقی محروم کرده باشد و یا در مواردی عقلاً و منطقاً از آن حقوق محروم می باشد، به بیان دیگر ممکن است در برخی موارد طبع وجودی و نیازهای ذاتی شخص طبیعی برخورداری از امری را بطلبد که در این گونه موارد شخص طبیعی به تناسب طبیعتی که دارد، از حقوقی که مخصوص اوست متمتع و بهره مند می شود واز آن جا که طبع وجودی شخص حقوقی که با آن حقوق هماهنگ نیست از آن حقوق محروم است و یا بالعکس.

بدین ترتیب می توان گفت، در حقوق ایران هرگاه دلیلی بر محدودیت تمتع شخص حقوقی خارجی وجود نداشته باشد، براساس اصل کلی مذکور در ماده ۹۶۱ ق.م و نیز ماده ۵۸۸ ق.ت می تواند دارای کلیه ی حقوق و تکالیفی شود که شخص طبیعی می تواند دارای آن ها شود.

۳- محدودیت های برخورداری بیگانگان از حقوق مالی و بانکی در ایران

اصل بر تمتع اشخاص حقیقی و حقوقی بیگانه از انواع حقوق خصوصی است اما منطقی نیست تا از دولتی که مصالحش اقتضاء دارد محدودیت حقوق خصوصی بیگانگان را بپذیرد. انتظار داشته باشیم در همه ی موارد اصل را اعمال نماید.

بدین ترتیب باید انست اگرچه مطابق مقررات قانون مدنی ایران اصولاً هر انسان دارای اهلیت تمتع به طور مطلق یا تمام حقوق کلی مدنی است، اما قانونگذار می تواند با توجه به ملاحظات جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و براساس شرایطی که لازم بداند، بعضی از اشخاص را از پاره ای حقوق کلی مدنی محروم سازد. از جمله ی این اشخاص استثنایی اتباع بیگانه هستند که حقوق مورد محرومیت ایشان نیز ذیلاً بررسی می شود.

ماده ی ۹۶۱ ق.م ضمن اشاره به اصل کلی برخورداری بیگانگان از انواع حقوق خصوصی در خصوص استثنائات راجع به این اصل چنین مقرر می دارد:

«جز در موارد ذیل اتباع خارجه نیز از حقوق مدنی متمتع خواهند بود:

۱. در مورد حقوقی که قانون آن را صراحتاً منحصر به اتباع ایران نموده و یا آن را صراحتاً از اتباع خارجه سلب کرده است.
۲. در مورد حقوق مربوط به احوال شخصیه که قانون دولت متبوع تبعه ی خارجه آن را قبول نکرده است.
۳. در مورد حقوق مخصوصه که صرفاً از نظر جامعه ی ایرانی ایجاد شده باشد».

۳-۱ مالکیت سهم واحدهای تولیدی

به موجب اصل ۸۱ ق.ا. «دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات در امور تجارتي و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان مطلقاً ممنوع است».

به نظر می رسد که مقصود از ممنوعیت دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات به خارجیان آن است که آنان شرکت ها و موسساتی در ایران تشکیل دهند که اکثر سهام یا سرمایه ی شرکت ها یا موسسات مزبور متعلق به بیگانگان و اختیار تصمیم گیری نیز با آنان باشد.^۱

به موجب قانون گسترش مالکیت واحدهای تولیدی مصوب تیرماه ۱۳۵۴، واحدهای صنعتی و معدنی و سایر واحدهای تولیدی که تا تاریخ ۱۳۵۴/۲/۴ تأسیس شده اند، مکلفند سهام خود را پس از حسابرسی و ارزیابی دقیق بر اساس ضوابطی که شورای گسترش مالکیت واحدهای تولیدی تعیین می نماید در درجه اول به کارگران و کارمندان خود و سپس به کارگران و کارمندان سایر واحدهای تولیدی و کشاورزان و سایر مردم برای فروش عرضه نمایند.....».

ماده ۴ آئین نامه اجرایی این قانون مقرر می دارد: «حداکثر سهم متعلق به سهامداران خارجی در هر واحد مشمول با توجه به کیفیت تکنیک و نوع صنعت مربوطه و احتیاج به سرمایه گذاری خارجی طبق جدولی که به تأیید شورای گسترش مالکیت رسیده و ضمیمه ی این آیین نامه می باشد مشخص می گردد».

^۱ تفاسیر شورای نگهبان از قانون اساسی. www.shora.ge.Ir

محدودیت‌های مقرر برای تملک سهام شرکت‌های یاد شده به وسیله ی بیگانگان براساس جدول مذکور که به تصویب شورای گسترش رسیده به شرح ذیل است:

به موجب عبارت ذیل جدول شرکای خارجی در صورت درخواست و به شرط همکاری در تکنولوژی خاص می‌توانند در شرکت، سرمایه ای تا ۳۵ درصد داشته باشند.

بنابراین طبق جدول یاد شده، حداکثر سهامی که خارجیان می‌توانند در شرکت‌های سهامی عام مشمول قانون گسترش تملک نماید با توجه به نوع صنعت و کیفیت تکنیک و احتیاج به سرمایه گذاری از ۲۵ درصد و در موارد استثنایی از ۳۵ درصد کل سهام شرکت بیشتر نیست. نکته ی قابل توجه آن است که محدودیت‌های وارد بر حقوق خارجیان در مورد تملک سهام شرکت‌ها برحسب این که تاریخ تشکیل شرکت قبل از تصویب قانون گسترش و یا بعد از آن باشد فرق می‌کند.

به موجب تبصره ی ۱ ماده ۳ آئین نامه اجرایی قانون «در مورد واحدهای مشمول که قبل از تصویب قانون گسترش مالکیت به ثبت رسیده اند و قسمتی از سهام آنها متعلق به سهامداران خارجی است، هرگاه با عرضه ی ۴۹ درصد سهام خارجی، مجموعه سهم باقیمانده خارجی مطابق جدول مزبور یا بیشتر از آن باشد، همان ۴۹ درصد را عرضه خواهند کرد و هرگاه از درصد‌های ذکر شده در جدول فوق کمتر بشود به خواست سهامداران خارجی میزان عرضه ی سهام آن‌ها مقداری خواهد شد که بتوانند حداکثر مذکور در جدول فوق را حفظ کنند. در این مورد از کل سهام باقی مانده ۴۹ درصد عرضه خواهد شد».

۲-۳ مالکیت سهام بانک‌ها و موسسات بیمه

تملک سهام بانک‌های ایرانی توسط اتباع خارجی به موجب قانون پولی و بانکی کشور محدود شده بود. به موجب بند ند» ماده ۳۱ این قانون اصلاحی سال ۱۳۵۴ «مالکیت بیش از ۴۰ درصد از سهام هیچ بانک ایرانی نمی‌تواند به اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی تعلق پیدا کند. مگر به موجب قانون». بنابراین اگر خارجیان می‌خواستند بیش از ۴۰ درصد سهام یک بانک ایرانی را تملک کنند، می‌بایست به موجب قانون خاصی این حق به آنان داده شود.

قابل ذکر است که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به موجب قانون ملی شدن بانک‌ها مصوب ۱۳۵۸/۳/۱۷ کلیه بانک‌ها در ایران ملی اعلام شده اند و دیگر اتباع خارجی نمی‌توانند سهام بانک‌های ایرانی را تملک کنند.^۱

در مورد تملک سهام موسسات بیمه، ماده ۳۵ قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری مصوب ۱۳۵۰ چنین مقرر داشته بود: «واگذاری سهام موسسات بیمه ایرانی غیر دولتی به اشخاص حقیقی یا حقوقی تبعه ی خارج تا بیست درصد با موافقت بیمه مرکزی ایران مجاز است و بیش از آن به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و تأیید شورای عالی بیمه و تصویب هیأت وزیران خواهد بود...».

در این جا باید یادآور شد که به موجب لایحه ی قانونی ملی شدن موسسات بیمه و موسسات اعتباری مصوب ابان ماده ۱۳۵۸ کلیه ی شرکت‌های بیمه در ایران ملی اعلام شده اند و دیگر اشخاص خصوصی اعم از ایرانی و خارجی و نیز دولت‌های خارجی نمی‌توانند سهام این شرکت‌ها را تملک کنند.

باید دانست امروزه با توجه به پیدایش بانک‌ها و موسسات بیمه ی خصوصی که به صورت شرکت‌های سهامی عام یا خاص تشکیل می‌گردند و با فروش سهام از سوی آنها در راستای اجرای سیاست خصوصی سازی دولت بر مبنای اصل ۴۴ ق.ا، به نظر می‌رسد مانعی برای سرمایه گذاری اتباع بیگانه در این گونه موارد وجود داشته باشد.

۳-۳ محدودیت‌های اشتغال اتباع بیگانه

یکی از حقوقی که براساس اصول بین المللی برای بیگانگان در هر کشوری شناخته شده حق اشتغال به حرفه و صنعت و تجارت است. در ایران هم حق اشتغال برای بیگانگان به رسمیت شناخته شده است، لیکن این حق مطلق نبوده و در هر کشوری با توجه به احوال سیاسی، جمعیتی و نیازمندی‌های اقتصادی محدود به شرایطی می‌باشد. بنابراین قاعده ی کلی نسبت به اشتغال اتباع بیگانه این است که در هر مملکتی مشاغل برای اتباع بیگانه آزاد است. مگر این که قانون آن مملکت منعی در مورد آن‌ها قائل شده باشد.^۲

^۱ صفایی، سید حسین، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱، ص ۲۶۶.

^۲ توسلی نائینی، منوچهر، بررسی حقوقی اشتغال اتباع بیگانه در ایران، مجله ی سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۳-۲۶۴، ۱۳۸۸، ص ۱۸۶.

بدین ترتیب در اغلب کشورها یک سری از مشاغل برای اتباع خارجه ممنوع است. و همانطور که گفته شد ایجاد محدودیت برای اشتغال بیگانگان در هر کشوری با توجه به اوضاع و احوال سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی و جمعیتی آن کشور نظر به اهمیت آن دسته مشاغل در نظر گرفته می شود.

بنابراین ممکن است در یک کشور مشاغلی برای بیگانگان ممنوع شناخته شوند در حالی که در ممالک دیگر آن گونه مشاغل ممکن است دارای اهمیت نباشد. مثلاً مملکتی ممکن است تخصص در پاره ای اموری داشته باشد که اگر اتباع خارجه بدان امور بپردازند، از راه عدم دقت یا عمداً و به مقاصد غیرمشروع به آن امر لطمه وارد آورند و شهرت آن مملکت را راجع به آن امر به خصوص از بین ببرند. در ممالک دیگر ممکن است مشاغلی باشد پر نفع، که اتباع خارجه را از آن ممنوع بدارند. مثلاً در بعضی از ممالک که مسافری زیادی از نقاط عالم بدان جا می روند داشتن مهمانخانه کار پرفایده ای است و اتباع خارجه نمی توانند مهمانخانه و مسافرخانه در آن مملکت داشته باشند. بعضی از مشاغل محتاج به دانستن علوم معین و داشتن دیپلم های مخصوصی است که بدون آن هیچ کس نمی تواند در مملکتی بدان بپردازد. مثل طبابت که چون با جان و حیات عامه ارتباط دارد اغلب کشورها به اتباع خارجه اجازه ی طبابت نمی دهند. زیرا اطمینان ندارند وسایلی که برای حفظ حیات و فراگرفتن علوم پزشکی در آن مملکت فراهم اس در ممالک دیگر هم فراهم باشد.

بعضی اوقات پاره ای مشاغل به حیات سیاسی دولت ها مربوط می شوند ولذا دخالت اتباع خارجه در آن مشاغل خلاف مصالح مملکتی است، زیرا تبع خارجه که به مملکتی غیر از مملکت خود علاقه ندارند ممکن است بین دو دولت روابط خصمانه و نزاع ایجاد نمایند، به همین جهت است که در اغلب ممالک مدیران جراید باید حتماً از اتباع داخله باشند.^۱

در خصوص محدودیت حق اشتغال بیگانگان در ایران نیز می توان گفت، قانونگذار تنها در مواردی حق اشتغال برای بیگانگان را به رسمیت شناخته است که این حق منحصر به اتباع داخله، یا در انحصار دولت یا مشمول امتیازات اعطایی دولت به اشخاص حقیقی و یا حقوقی نباشد. البته چنانچه اتباع خارجه بخواهند در ایران به مشاغلی که قانون برای آنها ممنوع ننموده، بپردازند باز هم محدودیت هایی به لحاظ احراز شرایط لازم جهت اخذ پروانه یا استخدام وجود دارد.

۳-۴ محدودیت های استفاده اتباع خارجی از خدمات بانکی در ایران و تبعات آن

۳-۴-۱ محدودیت های استفاده اتباع خارجی از خدمات بانکی

از جمله مهمترین معضلات مالی اتباع خارجی در ایران، عدم ارائه خدمات بانکی نظیر کارت بانکی، دسته چک، دستگاه کارتخوان و... است که در بهمن ماه سال ۱۳۹۶ از سوی بانک ها اعمال شد. بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی، غیر از دفترچه، تمامی خدمات بانکی برای مهاجران قانونی شامل آمایشی و همچنین گذرنامه های لغو شد. مهمترین معضلات بانکی که اتباع خارجی در ایران با آنها مواجه هستند عبارتند از: مسدود شدن ناگهانی و بدون اطلاع قبلی حساب های مهاجران به تناوب، رویه های متناقض و سلیقه ای و چندگانگی در اجرای قوانین، باز نکردن حساب جاری برای مهاجران، ندادن دستگاه کارتخوان، فعال نکردن همراه بانک، فعال نکردن پیامک های بانکی، فعال نکردن اینترنت بانک، ندادن عابر بانک و تمدید نکردن آن، اگر مبلغ درخواست برداشت از حساب مهاجری بالا باشد، اجازه ی برداشت نمی دهند؛ با این که خودش صاحب آن حساب است، ندادن دسته چک، نخواستن چک در حساب بانکی، اجبار مهاجران به باز کردن حساب به نام یک ایرانی برای دریافت خدمات معمول بانکی، بی اطلاعی متصدیان بانکی از مدارک هویتی مهاجران قانونی در ایران و پاس کاری آنان، اجبار مهاجران به حمل پول نقد زیاد و افزایش خطر سرقت و زورگیری در آنان.

بیشتر دستورالعمل ها و بخش نامه های بانک مرکزی در طول سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶ با ارائه خدمات بانکی به خارجیان موافق است ولی بخشنامه آخر بانک مرکزی که در بهمن ماه ۱۳۹۶ ابلاغ شد بازگشتی به عقب داشته و مجدداً به دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان خارجی سال ۱۳۹۰ برگشته است.

در تاریخ ۱۴ دی ماه ۱۳۹۵ شورای پول و اعتبار، «دستورالعمل اجرایی افتتاح حساب سپرده ریالی برای اشخاص خارجی» را در ۱۷ ماده و ۳ تبصره تصویب کرد. در این دستورالعمل اشخاص خارجی به ۴ دسته کلی تقسیم شده بودند: اشخاص خارجی حقیقی مقیم و غیرمقیم و اشخاص خارجی حقوقی مقیم و غیرمقیم.

در این دستورالعمل آن دسته از مهاجران حاضر در ایران که دارای پروانه اقامت دائم، دفترچه پناهندگی یا کارت آمایش هستند، اشخاص

^۱ خلعت بری، ارسلان، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، تعارض قوانین، تهران، چاپخانه روشنایی، ۱۳۱۶، ص ۷۰.

خارجی مقیم تعریف شده بودند. آن دسته از مهاجران حاضر در ایران که دارای گذرنامه هستند نیز اشخاص خارجی غیرمقیم تعریف شده بودند.

مطابق با این دستورالعمل اشخاص مقیم حق داشتند حساب سپرده قرض الحسنه جاری بدون دسته چک، حساب سپرده قرض الحسنه پس انداز و حساب سپرده سرمایه گذاری مدت دار افتتاح کنند. اشخاص غیرمقیم نیز حق داشتند با حضور در موسسه اعتباری و ارائه گذرنامه شان حساب قرض الحسنه پس انداز و حساب سپرده سرمایه گذاری مدت دار افتتاح کنند.

در این دستورالعمل هیچ اشاره ای به ارائه خدمات الکترونیک (همچون عابربانک) به اشخاص خارجی نشده بود، به همین دلیل بسیاری از بانک ها بسته گریخته خدمات الکترونیک همچون عابربانک را ارائه می دادند. این دستورالعمل در شهریورماه ۱۳۹۶ نیز با یک تغییر کوچک در حداکثر سقف گردش حساب اشخاص حقیقی و حقوقی غیرمقیم مجدداً در شورای پول و اعتبار تصویب شد. اما «دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان خارجی موسسات اعتباری» در بهمن ۱۳۹۶ سبب اختلال در زندگی روزمره مهاجران حاضر در ایران شد.

این دستورالعمل به منظور مبارزه با پولشویی و جلوگیری از تأمین مالی تروریسم در تاریخ ۱۲ دی ماه سال ۱۳۹۰ در شورای عالی مبارزه با پولشویی به تصویب رسید. بانک مرکزی این دستورالعمل را بار دیگر به بانک ها یادآوری کرد و چنین شد که کارت بانکی بسیاری از مهاجران مسدود و صدور کارت بانکی و هرگونه خدمات الکترونیک بانکی به آنها متوقف شد.

در ماده ۴ بخشنامه سال ۱۳۹۶ آمده است: «مؤسسه اعتباری موظف است درخصوص اتباع خارجی دارنده دفترچه پناهندگی صادره توسط نیروی انتظامی، کارت ویژه اتباع خارجی و کارت خروجی مدت دار (آمایش) صادره توسط وزارت کشور پس از شناسایی اولیه و یا کامل، فقط خدمات بانکی افتتاح حساب قرض الحسنه پس انداز، سپرده سرمایه گذاری و انجام عملیات وصول چک را ارائه نماید.» و در تبصره این ماده آمده است: «ارائه هرگونه کارت الکترونیکی و نیز ارائه مجوز هرگونه خدمات الکترونیک به اشخاص فوق ممنوع می باشد.» در ماده ۵ این بخشنامه آمده است: «ارائه کلیه خدمات بانکی به اتباع خارجی دارای گذرنامه و پروانه اقامت معتبر بلامانع می باشد.» علیرغم مواد ۴ و ۵ این بخشنامه، بانک ها برخورد سلیقه ای دارند و از ارائه خدمات بانکی به اتباع خارجی امتناع می کنند.

نکته عجیب این دستورالعمل ماده ۵ آن بود که «ارائه کلیه خدمات بانکی به اتباع خارجی دارای گذرنامه و پروانه اقامت معتبر» را بلامانع کرده بود. در حقیقت این دستورالعمل ارائه خدمات بانکی الکترونیک به اشخاص خارجی مقیم در ایران را ممنوع کرده بود، اما برای اشخاص خارجی غیرمقیم در ایران که ریسک پولشویی بالاتری دارند، مجاز دانسته بود. اشخاص خارجی غیرمقیم در ایران با توجه به عدم سکونت شان در ایران بسیار راحت تر می توانند پول های سیاه را جابه جا کنند.

۳-۴-۲ تبعات محدودیت های بانکی اتباع خارجی

الف) تبعات امنیتی و اطلاعاتی

نزدیک به یک و نیم میلیون تبعه خارجی که اسناد هویتی ندارد در ایران زندگی می کنند. این افراد بالقوه مستعد ارتکاب اعمال خلافکارانه را دارند. لذا مهمترین اقدام، بایستی «کد دار کردن و شناسایی این افراد» باشد. با گرفتن اطلاعات تدریجی از آن ها و در عوض ارائه خدمات بانکی علاوه بر مزیت های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که برای کشور خواهد داشت به راحتی سبب به دست آوردن اطلاعات مهمی از آن ها خواهد شد. این اطلاعات از مرحله شناسایی خود فرد تا اطلاع از تمامی مبادی و مقاصد مالی آن ها خواهد بود.

اطلاع از مبدا و مقصد تراکنش ها، امکان رهگیری و تقاطع اطلاعات از دیگر دست آوردهای ارائه خدمات بانکی به اتباع خارجی و مهاجران ساکن در ایران است. اینکه چه فردی از چه شهری، چه بانکی، چه مبلغی را به حساب فرد دیگری در یک منطقه دیگر واریز کرده است قطعاً مهم و پیشگیرانه است. در حال حاضر اما هیچ اطلاعی از چگونگی جریان ها و تراکنش های مالی این یک و نیم میلیون نفر در دسترس نیست و اگر قرار باشد پولشویی با اهداف تأمین مالی تروریسم صورت بگیرد به سادگی بدون وجود هیچ سرنخ مالی قابل اجراست.

ب) بی قاعدگی جریانات مالی اتباع خارجی

در شرایطی که به اتباع خارجی خدمات بانکی ارائه نمی شود آنها به سادگی از حساب یک دوست یا آشنای تبعه ایران برای مرادوات بانکی خود استفاده می کنند. در صورتی که این انتقال وجه، در راستای یک اقدام تروریستی باشد آنگاه نه تنها خطرات و حوادث جبران ناپذیری در پی خواهد داشت بلکه هیچ گاه سیستم بانکی متوجه سر نخ و ردی از این موضوع نخواهند شد. اما اگر همین تراکنش و انتقال وارد سیستم بانکی شود، نرم افزارهای داده کاوی به انتقال مشکوک شده و هشدار می دهند. در بدترین وضعیت نیز اگر سیستم بانکی هم هشدار ندهد و اتفاق رخ بدهد دست کم اطلاعات مهمی نظیر میزان مبلغ، مقصد و مبدا تراکنش در اختیار بانک بوده و به راحتی قابل پیگیری عوامل تروریستی خواهد بود.

بنابراین اگر اتباع خارجی وارد سیستم بانک شوند به آسانی و با ایجاد قوانین و قواعد کلی می‌توان آن‌ها را کنترل مالی کرد. تعیین سقف انتقال، برداشت و وضع محدودیت‌های جغرافیایی از مواردی است که کمک زیادی به کاهش سرعت انتقالات، افزایش اطلاعات امنیتی و ریسک‌های احتمالی می‌کند.

ج) عدم بکارگیری نقدینگی اتباع خارجی در سیستم بانکداری ایران

مهاجران خارجی در ایران مشارکت اقتصادی بالایی را دارا هستند. این جمعیت در خاک ایران ساکن هستند. خیلی از آنان در خاک ایران به دنیا آمده‌اند. در ایران مشغول فعالیت‌های اقتصادی هستند و گردش مالی‌های گوناگونی دارند. خیل عظیمی از این جمعیت در ایران به کارهایی می‌پردازند که نیروهای کار ایرانی قادر به انجام آن کارها نیستند. در نتیجه طبق قانون عرضه و تقاضا درآمدهای نسبتاً بالایی دارند. اگر آنان بتوانند در بانک‌های ایرانی به سهولت حساب باز کنند و از خدمات الکترونیکی و سایر تسهیلات استفاده کنند مطمئناً کلیه گردش‌های مالی خود را از طریق بانک‌ها انجام خواهند داد و حداقل فایده‌ی این کار بالا رفتن نقدینگی در اختیار بانک‌ها است. در شرایطی که بانک‌های ایرانی خدمات بانکی رضایت بخشی (ارائه‌ی عابر بانک و استفاده از خدمات بانکداری الکترونیک) به اتباع خارجی ارائه نمی‌دهند، آنها این مبلغ را خارج از چهارچوب نظام بانکی به گردش درمی‌آورند و گردش مالی غیرشفاف حداقل تبعاتی است که برای نظام بانکداری ایران به وجود خواهد آمد.

نتیجه

عواملی که بر تعیین میزان حقوق بیگانگان توسط دولت ها تأثیر می گذارد، به دو دسته ی اصلی و فرعی تقسیم می گردند. از جمله عوامل اصلی که در ایجاد محدودیت نسبت به حقوق بیگانگان مؤثر می باشند عبارتند از: حق حاکمیت دولت ها، اراده ی قانونگذار، حفظ نظم عمومی، توجه به رفتار متقابل کشورها در زمینه های مختلف رفتار قانونگذاری، سیاسی و عملی. در خصوص عوامل فرعی نیز باید گفت، این عوامل شامل مسائل کلان و اساسی دولت ها همچون مصالح سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و جغرافیایی می باشد. که نقش مهمی را در حیات و پویایی یک جامعه ایفا می کنند. و همواره در برنامه ریزی های دولتی و یا در تهیه و تدوین قوانین راجع به حقوق افراد جامعه، مورد توجه قرار می گیرند.

در رابطه با طرز تفکر دولت ها نیز می توان گفت در حقوق ایران، با توجه به اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات موجود، فی الواقع طرف تفکر سیاسی با رویکردی دینی در زمینه ی طرز رفتار با بیگانگان وجود دارد و به نظر می رسد دولت جمهوری اسلامی ایران با در نظر گرفتن مصالح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، دینی و فرهنگی، اولویت حقوق اتباع خودی و منافع ملی، به شناسایی حقوق برای اتباع بیگانه پرداخته است. فلذا حقوق بیگانگان در ایران با موانع مذکور محدود می گردد.

بدین ترتیب در عین این که قانونگذار طبق ماده ی ۹۶۱ ق.م.اصل را بر تمتع اتباع بیگانه از انواع حقوق خصوصی در زمینه های مالی و غیرمالی گذاشته است، مواردی را در این ماده و نیز در سایر قوانینی که در زمینه ی حقوق خصوصی هستند، بر می شمارد که بیگانگان از آن محروم می باشند. بنابراین، اصل بر تمتع یا به عبارتی اصل بر عدم محدودیت و یا محرومیت اتباع بیگانه می باشد. مگر مواردی که در نص قانون به طور صرح یا ضمنی بیان شده باشد.

در خصوص محدودیت های اشخاص حقیقی بیگانه در زمینه ی حقوق مالی نیز می توان به مواردی همچون محدودیت در حق استملاک اموال غیرمنقول، اشتغال، تملک سهام واحدهای تولیدی و تجارت و ... اشاره نمود. مهمترین محدودیت مالی اتباع خارجی در ایران که سبب اختلال در زندگی آنها می شود محدودیت استفاده از خدمات بانکی است. باتوجه به اینکه امور بانکی از مهمترین امور روزانه افراد است لذا پیشنهاد می شود قوانین و آیین نامه ها به نحوی تدوین شود که هم اتباع خارجی از حقوق مالی مذکور بهره مند شوند و هم زمینه ردیابی و شناسایی تراکنش های مالی اتباع خارجی برای دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی فراهم شود. محرومیت اتباع خارجی از ابتدایی ترین حقوق شهروندی علاوه بر اینکه نقض حقوق بشر آنان است، همچنین به دلیل عدم شفافیت تراکنش های مالی، زمینه را برای سوء استفاده گروه های تروریستی و همچنین پولشویی فراهم می آورد.

منابع

۱. آکهرست، مایکل، کلیات نوین حقوق بین الملل، ترجمه ی داراب پور، مهرباب، تهران، انتشارات جهان معاصر، ۱۳۸۴
۲. ابراهیمی، سید نصرالله، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۳
۳. ارفع نیا، بهشید، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۵
۴. امیر ارجمند، اردشیر، مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر، جلد اول اسناد جهانی، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات ۱۳۸۶
۵. توسلی نائینی، منوچهر، بررسی حقوقی اشتغال اتباع بیگانه در ایران، مجله ی سیاسی اقتصادی، شماره ۲۶۳-۲۶۴، ۱۳۸۸
۶. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مقدمه ی عمومی علم حقوق، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴
۷. خلعت بری، ارسلان، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، تعارض قوانین، تهران، چاپخانه روشنایی، ۱۳۱۶
۸. دانش پژوه، مصطفی، اسلام و حقوق بین الملل اسلامی، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه و انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه چاپ دوم، ۱۳۸۶
۹. سلجوقی، محمود، حقوق بین الملل خصوصی، جلد اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸
۱۰. سهرابی، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۵
۱۱. شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی انتشارات، تهران، مجد، ۱۳۸۵
۱۲. صفار، محمد جواد، شخصیت حقوقی، تهران، انتشارات دانا، ۱۳۸۷
۱۳. صفایی، سید حسین، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱
۱۴. عامری، جواد، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، موسسه انتشارات آگاه، ۱۳۸۱
۱۵. مدنی، جلال الدین، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۹
۱۶. مهاجریان، عباس، شخصیت حقوقی، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۸۹
۱۷. نصیری، محمد، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۴
۱۸. نظیف، مجتبی، حقوق بین الملل خصوصی، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۸